



اصول فقه ۴ (حلقه ثالث)

درس ۱۵

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: یاسر سعادت

در ادامه بحث درباره استدلال به روایات بر حجیت استصحاب ، وارد بحث از صحیحه سوم زراره (صحیحه شک در رکعات) شدیم و بیان کردیم که دلالت این صحیحه بر حجیت قاعده استصحاب تمام می باشد. سپس به پاسخ اشکالاتی که بر این صحیحه وارد شده است پرداختیم و گفتیم که شهید صدر (ره) در این کتاب سه اشکال از این اشکالات را بیان نموده و به پاسخ آنها پرداخته است.

در درس قبل به بررسی اشکال دوم پرداختیم و بیان نمودیم که به این اشکال، سه جواب از سوی محقق عراقی و آخوند خراسانی و میرزای نائینی داده شده است.

در درس قبل، پاسخ محقق عراقی بیان شد. در این درس، در ابتدا اشکال شهید صدر به این پاسخ و سپس پاسخ آخوند خراسانی و اشکال شهید صدر به آن را بیان می کنیم.

[وقد أجيب على هذا الاعتراض باجوة، منها ما ذكره المحقق العراقي من اختيار الشك الاول و حمل تطبيق الاستصحاب المقتضى للركعة الموصولة على التقية...]

و لكن الإنصاف: أن الحمل على التقية في الرواية بعيد جداً بملاحظة أن الإمام قد تبرع بذكر فرض الشك في الرابعة، و أن الجمل المترادفة التي استعملها تدل على مزيد الاهتمام و التأكيد بنحو لا يناسب التقية.

و منها: ما ذكره صاحب الكفاية (ره) من أن عدم الإتيان بالركعة الرابعة، له أثران: أحدهما: وجوب الإتيان بركعة، و الآخر: مانعية التشهد و التسليم قبل الإتيان بهذه الركعة. و مقتضى استصحاب العدم المذكور التعبد بكلا الأثرين، غير أن قيام الدليل على فصل ركعة الاحتياط يخص دليل الاستصحاب و يصرفه إلى التعبد بالأثر الأول لمؤداه دون الثاني، فإجراء الاستصحاب مع التبعض في آثار المؤدى صحيح.

و نلاحظ على ذلك أن مانعية التشهد و التسليم إذا كانت ثابتة في الواقع على تقدير عدم الإتيان بالرابعة. فلا يمكن إجراء الاستصحاب مع التبعض في مقام التعبد بآثار مؤداه، لأن المكلف يعلم حينئذ وجداناً بلبن الركعة المفصولة التي يأتي بها ليست مصداقاً للواجب الواقعي، لأن صلاته التي شك فيها إن كانت أربع ركعات فلا أمر بهذه الركعة، و الا فقد بطلت بما أتى به من المانع بتشده و تسليمه، لأن المفروض انحفاظ المانعية واقعاً على تقدير النقصان.

و إذا افترضنا أن مانعية التشهد و التسليم ليست من آثار عدم الإتيان في حالة الشك. فهذا يعني أن الشك في الرابعة أوجب تغييراً في الحكم الواقعي و تبديلاً لمانعية التشهد و التسليم إلى نقيضها، و ذلك تخصيص في دليل المانعية الواقعية و لا يعني تخصيصاً في دليل الاستصحاب كما ادعى في الكفاية.

اشکال دوم بر صحیحہ شک در رکعات و پاسخ محقق عراقی به آن (یادآوری)

۱. اشکال دوم: اگر در صحیحہ شک در رکعات، مراد امام (ع) از اجرای قاعده استصحاب، اثبات یک رکعت متصل باشد، این با اجمال امامیه که در شک در سه و چهار باید بنا را بر اکثر گذاشته و یک رکعت منفصل به جا آورد، تنافی دارد و اگر مراد امام (ع) از آن اثبات، یک رکعت منفصل، باشد صحیح نیست؛ زیرا استصحاب، اثر شرعی مستصحب را که عدم اتیان رکعت چهارم است، اثبات می نماید که اثر شرعی آن، اتیان یک رکعت متصل می باشد نه یک رکعت منفصل.
۲. پاسخ محقق عراقی به اشکال شیخ انصاری این است که ما این روایت را حمل بر این می کنیم که امام (ع) مرادشان از اجرای استصحاب، اثبات یک رکعت متصل است و در جواب از اشکال تنافی می گوئیم: تطبیق این قاعده بر این مورد تقیه ای می باشد.

اشکال شهید صدر به پاسخ محقق عراقی

- شهید صدر می گوئد: حمل این صحیحہ بر تقیه به دو جهت بعید است:
۱. امام (ع) خود داوطلبانه فرض شک در رکعت چهارم را بیان نموده اند و این فرض را در جواب پرسشی بیان نکرده اند که در این صورت اگر فضای تقیه ای حاکم باشد، نهایتاً امام (ع) سکوت می کنند نه این که موافق با اهل سنت فتوایی از روی تقیه صادر نمایند.
 ۲. عطف جملات متعدد و مترادف به یکدیگر در کلام امام (ع) تأکید زیادی بر مطلبی دارند که در لابه لای این جملات نهفته است. حال اگر مراد امام (ع) بیان حکم تقیه ای باشد، بیان یک جمله کافی بوده و نیازی به این تطویل نبود؛ به عبارت دیگر توجیه قابل قبولی نسبت به این جملات وجود ندارد؛ زیرا تقیه مثل اکل میته است که فی نفسه حرام است، اما در وقت ضرورت باید به قدر نیاز آن را مرتکب شد.

متن عربی و نکات تطبیقی

- و لكن الإنصاف: إن الحمل على التقية في الرواية (١) بعيد جداً بملاحظة (٢) أن الإمام قد تبرع (٣) بذكر (٤) فرض الشك في الرابعة، و أن الجمل المترادفة التي استعملها (٥) تدل على مزيد الاهتمام و التأكيد بنحو لا يناسب (٦) التقية.
۱. یعنی: صحیحہ سوم زرارہ (صحیحہ شک در رکعات). متعلق: الحمل.
 ۲. متعلق جار و مجرور: بعید.
 ۳. یعنی: داوطلبانه این فرض را بیان کرده اند، بدون این که سؤالی از حضرت درباره فرض آن شود؛ به عبارت دیگر حضرت خود ابتدا به طرح این فرض نموده اند که اگر فضا، فضای تقیه بود، سکوت می کردند.
 ۴. متعلق جار و مجرور: تبرع.
 ۵. مرجع ضمیر فاعلی: امام (ع). مرجع ضمیر مفعولی: الجمل.
 ۶. مرجع ضمیر فاعلی: مزيد الاهتمام.

Sco^۱: ۴:۴۲

پاسخ صاحب کفایه به اشکال شیخ انصاری بر صحیحہ شک در رکعات

نکته اول: به نظر آخوند خراسانی (ره) عدم اتیان رکعت چهارم دو اثر شرعی دارد؛ یعنی مکلفی که رکعت چهارم را اتیان ننموده است؛ نسبت به او دو اثر شرعی ثابت می‌باشد:

۱. اثر تکلیفی که عبارت است از وجوب اتیان رکعت چهارم؛ یعنی مکلف، موظف است رکعت چهارم را اتیان نماید.
۲. اثر وضعی که عبارت است از بطلان نماز در صورتی که قبل از اتیان رکعت چهارم، تشهد و سلام بدهد.

خلاصه کلام

استصحاب عدم اتیان رکعت چهارم دو اثر دارد : اول: این که باید رکعت چهارم را اتیان نماید . دوم: این که قبل از اتیان رکعت چهارم، اگر تشهد و سلام بدهد، نماز او باطل می‌شود؛ پس استصحاب، مکلف را دعوت می‌کند به این که بدون تشهد و سلام، رکعت چهارم را بدون انفصال به جا آورد.

نکته دوم: این است که دلیل خاصی وجود دارد که رکعت احتیاطی را باید منفصل از نماز اتیان نمود که این دلیل خاص، این وظیفه را بر مکلف تحمیل می‌کند که اگر می‌خواهد یک رکعت احتیاطی به جا آورد، باید ابتدا تشهد و سلام داده سپس یک رکعت را به صورت منفصل به جا آورد که وجود این دلیل خاص، موجب تخصیص دلیل استصحاب می‌شود؛ یعنی دلیل استصحاب - که حکم می‌کند: بر مکلف واجب است یک رکعت احتیاطی را به صورت متصل و بدون فاصله شدن تشهد و سلام اتیان نماید- به وسیله دلیل خاص تخصیص خورده و فقط بر مکلف این اثر را ثابت می‌کند که باید رکعت چهارم را اتیان کند؛ به عبارت دیگر اصل وجوب اتیان رکعت زائده را ثابت می‌کند.

اما اثر دوم استصحاب؛ یعنی بطلان نماز در صورتی که تشهد و سلام بین نماز و این رکعت احتیاطی فاصله شده باشد، بر استصحاب بار نمی‌شود؛ زیرا دلیل خاص قائم شده است بر این که در این صورت باید بین اصل نماز و یک رکعت احتیاطی، با تشهد و سلام فاصله انداخت؛ پس اجرای استصحاب در این صورت صحیح است ؛ البته با تبعیض در آثار مؤدای آن، زیرا دلیل خاص مانع از مترتب شدن برخی از آن آثار شده و دلیل استصحاب را نسبت به آن آثار تخصیص می‌زند.

متن عربی و نکات تطبیقی

و منها (۱): ما ذكره صاحب الكفاية (ره) من (۲) أن عدم الإتيان بالركعة الرابعة، له (۳) أثران (۴): أحدهما (۵): وجوب الإتيان بركعة، و الآخر: مانعية التشهد و التسليم قبل الإتيان بهذه (۶) الركعة.

۱. مرجع ضمیر: اجوبه؛ یعنی: از آن پاسخ‌هایی که به اشکال شیخ انصاری داده شده است.

۲. بیان مای موصوله در جمله «ماذکره».

۳. خبر مقدم برای «اثران»؛ مرجع ضمیر: عدم الاتیان.

۴. مبتدای مؤخر برای «له»؛ جمله «له اثران» خبر «أن» می‌باشد.

۵. مرجع ضمیر: «اثران».

۶. متعلق جار و مجرور: الاتیان.

و مقتضی استصحاب العدم المذكور (۱) التعبد (۲) بكلا الأثرين، غير أن قيام الدليل على فصل ركعة الاحتياط يخصص (۳) دليل الاستصحاب و يصرفه (۴) إلى التعبد بالأثر الأول لمؤداه (۵) دون الثاني (۶)، فإجراء الاستصحاب مع التبعض في آثار المؤدى صحيح (۷).

۱. یعنی: استصحاب عدم اتیان رکعت چهارم.
۲. خبر «مقتضی استصحاب العدم المذكور».
۳. مرجع ضمیر فاعلی: الدلیل.
۴. یعنی: بر می گرداند، منحرف می کند؛ مرجع ضمیر فاعلی: قیام الدلیل؛ مرجع ضمیر مفعولی: دلیل الاستصحاب.
۵. مرجع ضمیر: الاستصحاب.
۶. یعنی: اثر وضعی که عبارت است از مانعیت تشهد و سلام قبل از اتیان رکعت چهارم برای نماز.
۷. صحیح: خبر «فإجراء الاستصحاب».

Sco^۲: ۱۲:۳۸

اشکال شهید صدر به پاسخ محقق خراسانی

شهید صدر پاسخ مرحوم آخوند به اشکال شیخ انصاری بر صحیحۀ شک در رکعات را نمی پذیرد و می گویند: این تخصیصی که بیان کردید، تخصیص دلیل استصحاب نیست؛ بلکه تخصیص دلیل مانعیت تشهد و سلام قبل از اتیان رکعت چهارم می باشد.

توضیح: اتیان تشهد و سلام قبل از اتیان رکعت چهارم، در هر حالتی، مانع صحت نماز است و به دو صورت قابل تصویر است:

- الف) واقعاً رکعت چهارم را اتیان کرده است، در این صورت نماز صحیح است؛ زیرا تشهد و سلام در رکعت چهارم، به جا آورده شده است و لکن این رکعت زائده دیگر امر واقعی نخواهد داشت زیرا امر به آن لغو خواهد بود.
- ب) واقعاً رکعت چهارم اتیان نشده است، در این صورت چون فرض کرده ایم که تشهد و سلام مانع نماز است، نماز باطل خواهد بود.

پس نتیجه می گیریم در فرض مانعیت تشهد و سلام، اجرای استصحاب با تبعض در مقام تعبد به آثار، ممکن نیست؛ چون اگر مکلف به مقتضای این تبعض، رکعت جداگانه ای را بعد از تشهد و سلام به جا آورد، یقین دارد که آن چه را که به جا آورده است مصداق واجب واقعی نیست و اتیان این رکعت زائده به صورت منفصل لغو و بی اثر است؛ چون در واقع کسی که شک بین سه و چهار دارد، یا چهار رکعت به جا آورده است که رکعت زائده لغو خواهد بود و یا سه رکعت به جا آورده است و قبل از اتیان رکعت چهارم تشهد و سلام خوانده است که فرض این است که به خاطر مانعیت تشهد و سلام نماز باطل می شود، که در این صورت نیز اتیان رکعت زائده به صورت منفصل لغو خواهد بود.

اما اگر بگوییم به جا آوردن تشهد و سلام قبل از اتیان رکعت چهارم، مانع صحت نماز نیست، اشکالی نسبت به یک رکعت احتیاط به وجود نمی آید، در این صورت دلیل خاص، منحصص دلیلی مانعیت تشهد و سلام می باشد؛ بلاین بیان که دلیل مانعیت تشهد و سلام می گوید: مطلقاً تشهد و سلام زائدی در نماز، مانع از صحت آن می باشد که دلیل خاص، آن را

تخصیص زده و می گوید: در صورتی تشهد و سلام، مانع نماز است که مکلف، علم به تعداد رکعات داشته باشد، اما اگر مکلف شک در رکعات داشته باشد، تشهد و سلام مانع از نماز نمی باشد؛ در نتیجه باید گفت که دلیل خاص، مخصص دلیل مانعیت تشهد و سلام زیاده در نماز می باشد نه مخصص دلیل استصحاب.

متن عربی و نکات تطبیقی

و نلاحظ علی ذلک (۱) أن مانعیت التشهد و التسليم إذا كانت (۲) ثابتة فی الواقع علی تقدير (۳) عدم الإتيان بالركعة. فلا يمكن إجراء الاستصحاب مع التبعض فی مقام التعبد بآثار مؤداه (۴)، لأن (۵) المكلف يعلم حينئذ (۶) وجداناً بلن الركعة المفصلة التي يأتي بها (۷) ليست (۸) مصداقاً للواجب الواقعي، لأن صلاته (۹) التي شك فيها (۱۰) إن كانت أربع ركعات فلا أمر بهذه الركعة، و الا (۱۱) فقد بطلت بما أتى به (۱۲) من (۱۳) المانع بتشده (۱۴) و تسليمه، لأن المفروض انحفاظ المانعية واقعاً علی تقدير النقصان.

۱. مشاراً اليه: پاسخ محقق خراسانی.

۲. اسم كانت ضمير مستتر «هي» می باشد که مرجع آن «مانعیت» است.

۳. متعلق جار و مجرور: ثابتة.

۴. مرجع ضمير: الاستصحاب.

۵. تعليل «لا يمكن».

۶. یعنی: حين اذا كانت مانعية التشهد و التسليم ثابتة فی الواقع، علی تقدير عدم الاتيان بالركعة الرابعة فی الواقع.

۷. مرجع ضمير: «الركعة».

۸. اسم ليست ضمير مستتر «هي» که مرجع آن «الركعة» می باشد.

۹. مرجع ضمير: مكلف.

۱۰. مرجع ضمير: صلاته.

۱۱. یعنی: إن لم يكن أربع ركعات.

۱۲. مرجع ضمير: ماى موصوله.

۱۳. بيان ماى موصوله.

۱۴. متعلق جار و مجرور: المانع.

و إذا افتراضاً أن مانعية التشهد و التسليم ليست (۱) من آثار عدم الإتيان فى حالة الشك. فهذا (۲) يعنى أن الشك فى الرابعة أوجب (۳) تغييراً (۴) فى الحكم الواقعي (۵) و بدلاً (۶) لمانعية التشهد و التسليم إلى نقيضها (۷)، و ذلك (۸) تخصیص فى دليل المانعية الواقعية و لا يعنى تخصیصاً فى دليل الاستصحاب كما ادعى فى الكفاية.

۱. مرجع ضمير: مانع. اسم ليست.

۲. مشاراً اليه: الشك فى الرابعة.

۳. مرجع ضمیر: الشک فی الرابعة.

۴. مفعول «اوجب».

۵. یعنی مانعیت تشهد و سلام.

۶. معطوف علیه: تغییراً.

۷. مرجع ضمیر: المانعیه.

۸. مشار الیه: ایجاب الشک فی الرابعة، تغییراً فی حکم الواقعی.

Sco^۳: ۲۵:۱۳

چکیده

۱. شهید صدر پاسخ محقق عراقی به شیخ انصاری را ناتمام می‌داند؛ زیرا حمل این صحیحیه بر تقیه، از دو جهت استبعاد دارد:

(الف) بیان ابتدایی امام(ع) برای این فرض بدون این‌که از حضرت سؤالی شده باشد.

(ب) تأکید امام بر روی این جمله به وسیله عطف‌های متعدد و مترادف.

۲. صاحب کفایه در پاسخ به اشکال شیخ انصاری بر صحیحیه شک در رکعات گفته است: استصحاب عدم اتیان رکعت چهارم دو حکم را ثابت می‌کند:

(الف) حکم تکلیفی: وجوب اتیان رکعت چهارم.

(ب) حکم وضعی: مانعیت تشهد و سلام قبل از اتیان رکعت چهارم برای نماز.

بنابراین دلیل خاص، موجب تخصیص استصحاب شده است و استصحاب، فقط حکم اول را ثابت می‌کند؛ بنابراین جریان استصحاب، در این صورت هیچ اشکالی ندارد.

۳. شهید صدر در مقام اشکال به پاسخ صاحب کفایه از اشکال شیخ انصاری، می‌گوید: «اگر به جا آوردن تشهد و سلام قبل از اتیان رکعت چهارم، مانع از صحت نماز باشد، امر به رکعت منفصل هیچ اثری نخواهد داشت؛ زیرا مکلفی که شک بین سه و چهار دارد، یا واقعاً سه رکعت به جا آورده است که تشهد و سلام قبل از اتیان رکعت چهارم، مانع از صحت نماز است و یا واقعاً چهار رکعت به جا آورده است که امر به رکعت زائده لغو می‌باشد.

اگر تشهد و سلام قبل از اتیان رکعت چهارم، مانع از صحت نماز نباشد، در این صورت، دلیل مانعیت تشهد و سلام را تخصیص زده‌ایم نه دلیل استصحاب را.